

نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضایی (مطالعه موردی: محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران)

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

مشخصات نویسندگان:

۱. فرید علی یار: دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. شیما دادفر: گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. سعیده محتشم امیری: گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. علی شیخ اعظمی: گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۵. محمدرضا فرزاد بهتاش: گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

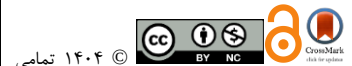
تاریخ ارسال: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۴ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲ تیر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۹ آبان ۱۴۰۴

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Dadfar@iau.ac.ir



حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با
گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

شیوه استناددهی: علی یار، فرید، دادفر، شیما، محتشم امیری، سعیده، شیخ اعظمی، علی، و فرزاد بهتاش، محمدرضا. (۱۴۰۴). نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضایی (مطالعه موردی: محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران). *حکمرانی و شهر هوشمند*، ۱(۳)، ۱۹-۱.

چکیده

افزایش جمعیت در شهرها منجر به بروز مشکلات متعددی شده است. دوگانگی فضایی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که به دلیل مدیریت ناکارآمد شهری به وجود آمده است. مدیریت مناطق شهر تهران به صورت یکپارچه و هماهنگ عمل نکرده و برنامه‌های تهیه‌شده به گونه‌ای است که توزیع کاربری‌ها اعم از مسکونی، آموزشی، تجاری، اداری، درمانی، تفریحی در محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ با بیشترین تفاوت انجام شده است. یکی از اصلی‌ترین موانع چند پارگی مدیریت شهری در سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت است. در واقع به جای وجود یک نظام یکپارچه در مدیریت منطقه ۷ تهران با یک نظام متفرق رو به رو هستیم. هدف پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران است. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت اکتشافی و از نظر روش کیفی- کمی است. جامعه آماری را ۷۵ نفر از کارشناسان تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری غیر احتمالی و از نوع گلوله برفی بوده است. اطلاعات تحقیق از طریق روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه از نوع سؤالات بسته است. برای تحلیل داده‌ها از تیم پانل دلفی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که معیارهای اجتماعی- فرهنگی در ۵ شاخص، معیارهای اقتصادی در ۴ شاخص، معیارهای محیطی- کالبدی در ۴ شاخص و معیارهای مدیریتی- سیاسی در ۳ شاخص بیان‌گر وضعیت نامطلوب نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران است. کاهش تفرق، استفاده از مشارکت تمام ذینفعان در مراحل تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی میان سازمان‌های مدیریت منطقه ۷ موجب تحقق مدیریت یکپارچه می‌شود.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، دوگانگی فضایی، تهران، منطقه ۷، محدوده شرقی و غربی.

The Role of Urban Management in Spatial Duality (Case Study: Eastern and Western Areas of District 7 of Tehran Municipality)

Article Type:

Original Research

Submit Date: 05 April 2025

Revise Date: 14 June 2025

Accept Date: 23 June 2025

Publish Date: 31 October 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

Authors' Information:

1. Farid Aliyar: PhD Student, Department of Urban Planning, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Shima Dadfar*: Department of Urban Planning, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Saeideh Mohtasham Amiri: Department of Urban Planning, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Ali Sheikhezami: Department of Urban Planning, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
5. Mohamadreza Farzad Behtash: Department of Urban Planning, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Corresponding author's email: Dadfar@iau.ac.ir

How to cite this article: Aliyar, F., Dadfar, S., Mohtasham Amiri, S., Sheikhezami, A., & Farzad Behtash, M. R. (2025). The Role of Urban Management in Spatial Duality (Case Study: Eastern and Western Areas of District 7 of Tehran Municipality). *Governance and Smart City*, 1(3), 1-19.

Abstract

The increase in urban population has led to the emergence of numerous problems, among which spatial duality is one of the most critical issues resulting from ineffective urban management. The management of Tehran's municipal districts has not operated in an integrated and coordinated manner, and the prepared plans have been formulated such that the distribution of land uses—including residential, educational, commercial, administrative, medical, and recreational uses—shows the greatest differences between the eastern and western areas of District 7. One of the main obstacles is the fragmentation of urban management in policymaking, decision-making, planning, guidance, and supervision. In fact, instead of having an integrated governance system in District 7 of Tehran, a dispersed system is observed. The purpose of this research is to identify the factors affecting the role of urban management in the spatial duality of the eastern and western areas of District 7 of Tehran Municipality. The study is applied in terms of purpose, exploratory in nature, and employs a mixed qualitative–quantitative method. The statistical population consists of 75 experts. The sampling method is non-probability and based on snowball sampling. Research data were collected through a library-based method. The data collection instrument was a questionnaire composed of closed-ended questions. For data analysis, the Delphi panel technique was used. The results indicate that socio-cultural criteria across five indicators, economic criteria across four indicators, environmental-physical criteria across four indicators, and managerial-political criteria across three indicators reflect an unfavorable condition regarding the role of urban management in the spatial duality of the eastern and western areas of District 7 of Tehran Municipality. Reducing fragmentation, involving all stakeholders in decision-making processes, and enhancing coordination among the management organizations of District 7 will facilitate the realization of integrated management.

Keywords: Urban management, spatial duality, Tehran, District 7, eastern and western areas.

در زمان کنونی شهرها به عنوان یک اجتماع متأثر از تغییرات شهرهای جهانی، مدرنیته، تکنولوژی، فناوری ارتباطات و رسانه و زیاد شدن جمعیت از سمت شهرهای کوچک به سمت شهرهای بزرگ هستند و این عوامل موجب شده تا توسعه نامتوازن و مشکلات متعددی برای هر محله در شهر به وجود آید. سرعت تغییر و تحولات در شهرها با هم متفاوت است. هر شهری با توجه به ویژگی‌های تاریخی و کارکردهایی که دارد دارای هویت مستقلی می‌باشد. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین سازمان‌ها برای تسهیل مشکلات پیش آمده، مدیریت شهری است. وجود عدم یکپارچگی میان سازمان‌های مدیریتی در حوزه تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها موجب گسست فضاهای شهری شده است. شهر به عنوان یک سیستم دارای عملکردهای خاص است. این عملکردها طی تغییرات زمانی و فضایی در حال تغییر و بازتولید فضاهای خود هستند. در شهرهای ایران مانند تهران سیاست مورد استفاده برای اداره امور عمومی در مناطق به صورت متمرکز بوده و از مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های فضایی-کالبدی استفاده نمی‌شود. از سوی دیگر عملکرد مناسب مدیریت شهری نیازمند تعامل میان عوامل محیطی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و ساختاری-مدیریتی و نیز عوامل دیگری چون مهارت و نوع هدف سیاستمداران و ذینفعان از محیط شهری است. هدف اصلی مدیریت شهری باید ایجاد محیط زیست مناسب با نیازهای اقتصادی و اجتماعی شهروندان باشد (Zhang, 2023: 21).

هدف اصلی مدیریت شهری زمانی تحقق می‌یابد که سازمان‌های مدیریت شهری به عنوان مسئول اداره‌ی امور عمومی فضاهای شهری، بتوانند کل فضاهای جغرافیایی و کارکردهای شهری را اداره کنند. از این رو باید تمام سازمان‌های مدیریت شهری بر کل فضای شهری نظارت داشته باشند. در چنین وضعیتی شهر دچار دوگانگی فضایی نمی‌شود و شهر به عنوان سیستمی یکپارچه با مدیریتی کارا و یکپارچه اداره می‌شود (Healey, 2004: 45).

اما آنچه در زمان کنونی در حوزه مدیریت شهری تهران قابل مشاهده است مشکلات ساختاری و عملکردی است. در حوزه ساختاری می‌توان گفت که شهرداری مناطق ۲۲ گانه تهران با توجه به این که مهم‌ترین سازمان مدیریت شهری محسوب می‌شوند اما به دلیل گسست‌های فضایی که در محلات شهری مشاهده می‌شود و به دلیل وابستگی به دولت در راستای تأمین منابع مالی و تصویب قوانین نمی‌توانند به صورت یکپارچه به تأمین خدمات مورد نیاز شهروندان بپردازند. به لحاظ عملکردی هم جایگاه مدیریت شهری در نظام مدیریتی کلان‌شهر تهران مشخص نیست. در وضعیت موجود نظام مدیریت شهری تهران تفرق، عدم یکپارچگی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و اجرا مشاهده می‌شود و علی‌رغم این که در مقیاس محلی سازمان‌هایی چون شهرداری‌ها و شوراهای شهر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادها می‌باشند اما استقلال کافی را در راستای اداره امور عمومی فضاهای شهری چه به لحاظ سیاست‌گذاری و چه به لحاظ اجرا ندارند و مدیریت امور مختلف محلات شهری توسط سازمان‌ها متعدد هدایت، نظارت و کنترل می‌شوند (سرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲).



وجود مشکلات مذکور موجب شده تا گسست‌های فضایی در محلات شهری تهران مشاهده شود به گونه‌ای که در یک منطقه که خود شامل تعدادی محله است، ساکنان برخی از محلات به تمام خدمات شهری دسترسی دارند و محله به لحاظ کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در مقابل برخی از محلات توزیع کاربری‌ها مناسب با جمعیت محله نبوده و ساکنان به تمام خدمات شهری دسترسی ندارند و علاوه بر این چنین محلاتی معمولاً به لحاظ کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند (آذر ابرغانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۳۹).

پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضایی محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران است. این منطقه دارای ۵ ناحیه و ۱۴ محله است که خیابان شریعتی این منطقه را به دو محدوده شرقی و غربی تقسیم کرده است. به دلیل توزیع نامناسب کاربری‌ها و کسب سود اقتصادی بیشتر ذینفعان، مشکلات زیادی میان این دو محدوده وجود دارد که موجب کاهش کیفیت زندگی ساکنان شده است. عدم تحقق امنیت، آلودگی‌های محیطی، ترافیک، وجود بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، کاهش کاربری‌های مسکونی و افزایش کاربری‌های تجاری، کمبود فضای سبز، کمبود خدمات فرهنگی-تفریحی، از دست رفتن حس تعلق به مکان در ساکنان محلات، کاهش جمعیت بومی از نمونه مشکلات موجود میان محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران است. در محلات این منطقه مانند بسیاری از محلات موجود در مناطق شهری تهران نوعی دوگانگی فضایی مشاهده می‌شود. این موضوع موجب شده تا پژوهش حاضر به دنبال تأثیر معیارهایی باشد که موجب ایجاد دوگانگی فضایی در محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعدد خارجی و داخلی در حوزه مدیریت شهری و در حوزه برنامه‌ریزی فضایی در سال‌های مختلفی انجام شده که به بعضی از آن‌ها در جدول شماره ۱ اشاره شده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگر	سال	عنوان	نتیجه
ژانگ	۲۰۲۵	تحلیل مسیر توسعه پایدار و یکپارچگی فضاهای شهری-روستایی از منظر برنامه‌ریزی فضایی مطالعه موردی: پکن	وی عقیده دارد از روش‌های مختلف تحقیق جامع برای تجزیه و تحلیل کامل رابطه بین یکپارچگی شهری و روستایی و توسعه پایدار می‌توان استفاده کرد و مسیرهای بهینه‌سازی مربوطه را پیشنهاد کرد. سپس، مشکلات و چالش‌های اصلی را در فرآیند کنونی ادغام شهری-روستایی شناسایی شده و در نتیجه یک پایه نظری برای مطالعه ایجاد شده است. نتایج حاکی از همبستگی مثبت معنادار بین سطح یکپارچگی شهری - روستایی و سطوح توسعه پایدار با ضریب رگرسیون ۰/۴۸ است که نقش آن را در ارتقای توسعه پایدار نشان می‌دهد
هونگ و همکاران	۲۰۲۵	ارزیابی عملکرد فضایی و بهینه‌سازی فضاهای یکپارچه روی زمین و زیرزمین در مجتمع‌های تجاری شهری	آن‌ها عقیده دارند همان‌طور که مناطق شهری رشد و گسترش اقتصادی را تجربه می‌کنند، مقیاس توسعه و شدت مجتمع‌های تجاری شهری به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. ادغام فضاهای زیرزمینی، سرزندگی فضای دوم را افزایش می‌دهد و در نتیجه کارایی توسعه زمین را بهبود می‌بخشد. با این حال، این مجتمع‌ها با چالش‌هایی از جمله قطع ارتباط در طراحی مواجه می‌شوند که منجر به تداوم زیرزمینی ضعیف و نتایج اقتصادی نامناسب می‌شود. نتیجه‌گیری این مطالعه، توسعه علمی فضاهای یکپارچه در مجتمع‌های تجاری شهری را هدایت می‌کند و در نهایت کارایی کلی را افزایش می‌دهد



سیمون و همکاران	۲۰۱۷	آینده پژوهش در مدیریت شهری	وی به ارائه یک دیدگاه علمی برای مدیریت شهرهای هوشمند و شهرهای آینده پرداختند. اهداف اصلی در پژوهش شامل موارد زیر است: ۱- مقایسه مدل‌های استفاده‌شده برای اندازه‌گیری شاخص‌های مدیریت شهری. ۲- استفاده از روش جدید بر اساس فناوری ارتباطات و اطلاعات برای تحلیل پایداری در شهرهای هوشمند. ۳- ارائه یک مدل کاربردی بر اساس نتایج به‌دست‌آمده. چنین دیدگاه علمی به برنامه ریزان شهری و سایر محققان برای تحلیل سطح پایداری در مدیریت شهر هوشمند می‌تواند کمک کند
برند	۲۰۱۷	دوگانگی فضا: دنیای ساخته‌شده از آگاهی مضاعف	آن‌ها با استفاده از مفهوم هوشیاری مضاعف، واکنش‌های آمریکایی‌های آفریقایی تبار به استراتژی‌های توسعه مجدد شهری را بررسی می‌کند که ادعاهای آن‌ها را در مورد فضای شهری تضعیف می‌کند. این مطالعه در نیواورلئان پس از کاترینا، دیدگاه ساکنان را برای توسعه مجدد شهری متمرکز می‌کند، که نابرابری‌های شدید اقتصادی، اجتماعی و فضایی را که آن‌ها در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند، اما همچنین زیبایی و سرزندگی این جوامع را آشکار می‌کند.
سلیمانی	۱۴۰۳	چالش‌های مدیریت شهری شهرداری تهران بزرگ و راهکارهای مقابله با آن	وی به این نتیجه دست رسیده است که تهران در زمره شهرهای با هزینه نگهداری و خدماتی بالا به شمار می‌رود که این مهم ریشه در مسائلی همچون تراکم شهری، فرسودگی و معضل‌های اجتماعی دارد که همگی بر دامنه هزینه‌های شهری می‌افزایند. در این میان با برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و اتکاء به مشارکت مردم، می‌توان به کاهش این هزینه‌ها و ایجاد درآمدهای پایدار کمک کرد. از جمله مهم‌ترین چالش‌های شهرداری تهران می‌توان به ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، محیط زیست، مدیریت پسماند و مدیریت منابع آب اشاره نمود.
صادقی و همکاران	۱۴۰۲	عوامل تأثیرگذار بر تحولات ساختار فضایی-کالبدی کلان‌شهرها	به این نتیجه دست یافتند که ساختار فضایی برآیند نیروهای مؤثر طی زمان در فضا و نظم و رابطه بین عناصر کالبدی و کاربری‌ها را در مناطق شهری نشان می‌دهد. در کلان‌شهر تبریز طی دوره‌های مختلف به‌ویژه بعد از اصلاحات ارضی شاهد تغییرات گسترده در ساختار فضایی شهر بوده‌ایم. گسترش مناطق حاشیه‌نشین، شکل‌گیری شهرهای جدید سهند و شهریار، ایجاد مراکز تجاری و محلات مسکونی جدید و ... از تحولات ایجادشده طی سال‌های اخیر می‌باشد. تغییرات ایجادشده در برخی موارد مثبت و در برخی موارد منفی ارزیابی می‌شوند.

نگاهی به مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده از دو جهت، پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد: اول ترکیب دو متغیر مدیریت شهری و دوگانگی فضایی به‌صورت هم‌زمان برای منطقه ۷ شهرداری تهران است که برای اولین بار در مطالعات مربوط به شهرسازی مورد مطالعه قرار گرفته است. دوم ابعاد و شاخص‌های مورد مطالعه پژوهش حاضر می‌باشد که نسبت به سایر مطالعات مشابه، کامل‌تر و جامع‌تر و در برگیرنده ابعاد متنوع‌تری می‌باشد. سوم تلاش برای درک علل، فرآیندها و عوامل مؤثر و به وجود آورنده دوگانگی فضایی می‌باشد. چراکه اکثریت تحقیقات انجام‌شده درباره مدیریت شهری و دوگانگی فضایی شهری اساساً به تعریف، ابعاد، شاخص‌ها و روش‌های اندازه‌گیری این مفهوم پرداخته‌اند.

مبانی نظری

از زمان پیدایش سکونتگاه‌های شهری اداره‌کنندگان شهرها همواره کوشیده‌اند شهر را به‌گونه‌ای اداره نمایند که شهروندان بتوانند در پناه، آرامش و رفاه در آسایش زندگی کنند. چراکه در زمان پیدایش، شهر همچون حصاری بوده است بر مردمی که در آن زندگی کرده‌اند، و از منظر بسیاری شهر منبع آسایش بوده است. مدیریت شهری به‌عنوان چهارچوب سازمانی اداره و توسعه شهر، به سیاست‌ها، برنامه‌ها طرح‌ها و عملیاتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به خدمات و زیربنای، مسکن و اشتغال می‌باشد (میرزاده دوستان، ۱۴۰۰: ۲۱).



وبر یکی از اندیشمندان بزرگ مطالعات اجتماعی می‌باشد که نظریات ارزنده‌ای را در مورد مسائل مختلف اجتماعی مطرح ساخته است. به‌ویژه نظریه عمومی دیوان‌سالاری وی را به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز مدیریت مطرح ساخته است. وبر ۵ اصل مهم را در مدیریت به شرح ذیل مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- اصل تقسیم‌کار وظیفه‌ای؛ ۲- اصل تمرکز اختیارات؛ ۳- اصل اعمال ضوابط به‌جای روابط؛ ۴- اصل تدوین آیین‌نامه مقررات و قوانین برای کلیه امور؛ ۵- اصل ثبت و ضبط کلیه اقدامات و عملیات. او در بحث سازمانی از سلطه و اقتدار نیز نام می‌برد و سه نوع سلطه را معین می‌کند: سلطه عقلانی، سنتی و کاریزماتیک. سلطه عقلانی نوعی از سلطه است که مبتنی بر اعتقاد به قانونی دستورها و قانونی عناوین فرماندهی کسانی است که سلطه را اعمال می‌کنند (وبر، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۳).

نظریه برایان مک لالین در حدود دهه هفتاد در مورد مدیریت شهری می‌پردازد. به نظر وی در یک جامعه نهادهای مدنی در قالب تجلی رفتارهای شهری شکل می‌گیرند و به همین سبب نسبت به تغییرات اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردارند و اولین حرکت‌های اجتماعی در شهرها شکل گرفته و قوام می‌یابند. مک لالین شهر را به‌عنوان یک سیستم باز در نظر می‌گیرد. سیستمی که نسبت به تغییرات رو به رشد از سازگاری بیشتری برخوردار می‌باشد و نسبت به مسائل آن پاسخگو باشد. در نظر مک لالین فرایند سیستمی حاکم بر شهر بر سیستم برنامه‌ریزی و نظام تصمیم‌گذاری اثرگذار است. از نظر او مدیریت نوعی فرایند است. این فرایند متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم "حکومت" و هم "اجتماع" را در برمی‌گیرد. پاسخگویی، تناسب و آینده‌نگری در مدیریت، توانایی برخورد مؤثر با مسائل جاری و پیش‌بینی رویدادها نه تنها به شبکه‌های سازمانی رسمی، بستگی دارد بلکه مستلزم شبکه‌ای غیررسمی است. شبکه‌های که مردم را قادر می‌سازند زمانی که شبکه‌های رسمی، در کار فرو می‌مانند آن را به انجام رسانند (مک لالین، ۱۳۹۲: ۵۷).

از دیدگاه پال، شهر یک نظام اجتماعی به لحاظ مکانی منفصل است و این بدان معنا است که شهر را می‌توان مستقل از جامعه گسترده‌تری که شهر جزئی از آن است، مطالعه کرد. منطق توزیع فضایی متأثر از منطق و الگوی اجتماعی توزیع است. در نظام شهری، دروازه بانانی هستند (مدیران شهری) که تصمیم آن‌ها میزان دستیابی بخش‌های متفاوت جمعیت را به انواع گوناگون منابع شهری تعیین می‌کند. مدیران نظام شهری به‌طور مستقل در تخصیص منابع کمیاب و توزیع امکانات شهری نقش عمده‌ای دارند. طبق این نظریه در تبیین توزیع نابرابر فرصت‌های زندگی، لازم است به علل خودمختاری در تصمیم‌گیری‌ها نسبت به کنترل منابع و امکانات قابل‌دسترسی شهری تأکید شود. رفتار مدیران شهری می‌تواند باعث انباشت ثروت برای عده‌ای که از امکانات شهری بیشتری برخوردارند منجر گردد و ستیز اجتماعی را در شهر دامن زند (رضایی، ۱۳۹۳: ۳۸).

از دیدگاه ارنشتاین باید از مشارکت در مدیریت شهری استفاده کرد. در دیدگاه نردبان مشارکت شری ارنشتاین بر این موضوع تأکید شده است که مشارکت شهروندان را به مثابه قدرت شهروندی مطرح کرده و میزان مشارکت را بر این اساس در سه سطح دسته بندی می‌کند که شامل محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی و قدرت شهروندی است (جاودانی و پروین، ۱۳۹۴: ۱۱۱).



تأکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی یکپارچه و کل‌نگر از تحولات اخیر در عرصه حاکمیت جوامع نشأت می‌گیرد، که، حاکمیت چند سطحی و چندعاملی از خصیصه‌ای اصلی آن است. در الگوی حاکمیت؛ سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از یک‌طرف و وجود سطوح مختلف برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران از سوی دیگر، لزوم ایجاد هماهنگی میان سطوح مختلف مستلزم یک نظام مدیریتی همه‌جانبه و کارآمد است. الگوی حاکمیت و از آن طریق رویکرد راهبردی به موضوعات مختلفی می‌پردازد که نمی‌تواند فقط در چهارچوب یک حوزه مسئولیت مورد حل‌وفصل قرار گیرد. ضرورت ارتباط میان راهبردها و سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی ایجاب می‌کند که روابط نزدیکی میان ادارات و نهادهای مختلف برنامه‌ریزی برقرار گردد (حاتمی نژاد و یوکان، ۱۴۰۳: ۱۲).

از سوی دیگر در ارتباط با دوگانگی فضایی با تأکید بر نقش مدیریت شهری نظریه‌پردازان عوامل متعددی را در سازمان فضایی شهرها مؤثر می‌دانند. به‌طور کلی دوگانگی فضایی سبب می‌شود که از فضا استفاده بهینه به عمل نیامده و موجب تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت شود. فضا به‌عنوان مفهومی جغرافیایی در قلمرو حیات جمعی شکل می‌گیرد و از این نظر دربرگیرنده تمامی عرصه‌های حیات انسانی اعم از اقتصادی سیاست، فرهنگ، هویت و ... می‌باشد (قائد رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۱).

بورديو معتقد است انسان‌ها در فضا زندگی می‌کنند یعنی رابطه‌ای پیوسته از کنش‌های متقابل با آن دارند؛ از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند، از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند. در فضای شهری و سازمان فضایی آن، انواع مختلف فضاها را می‌توان با نام میدان شناسایی کرد مثلاً فضای اوقات فراغت را می‌توان یک میدان فرهنگی یا فضای فرهنگی در نظر گرفت که توسط خود افراد جامعه در طی زمان ساخته می‌شود. همچنین بورديو معتقد است اثرگذاری میدان قدرت بر همه میدان‌ها قطعی بوده و می‌توان آن را نیروی فرادست نسبت به دیگر میدان‌ها محسوب کرد، اراده قدرت حاکمه که ممکن است متأثر از جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... باشد نقش تأثیرگذار بر معماری فضای شهری و سازمان فضایی آن دارد (پیر بابایی و رحیمی، ۱۳۹۹).

راپاپورت معتقد است مردم قبل از آنکه به‌صورت خودآگاه در مورد یک محیط صحبت کرده یا آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند به صورتی ناخودآگاه نسبت به آن حسی پیدا می‌کنند و تصویر کاملی از آن محیط و ویژگی‌هایش در ذهن آن‌ها شکل می‌بندد، به همین دلیل احساس می‌کنند که برخی از نواحی شهری یا اشکال خانه را دوست دارند، منظور این است که انسان‌ها قادرند محیط را با استفاده از اشاره‌ها و نشانه‌های آن معنی کنند، ذهن انسان همیشه در حال معنی‌سازی است و به همین دلیل دست به تمایز و دسته‌بندی محیط پیرامونش می‌زند و این معنی جدای از عملکرد، نیست بلکه مهم‌ترین جنبه آن است. به‌طور خلاصه راپاپورت معتقد است سازمان فضایی شهری از ادراک و ذهنیت و معانی و فرهنگ افراد آن فضا شکل می‌گیرد که خود بر رفتار و عملکرد افراد آن فضا اثر می‌گذارد (میری، ۱۳۹۸: ۱۲).

کانتر سازمان فضایی شهر را با حس مکان توضیح می‌دهد، حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد. به‌طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معانی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط



اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. سازمان فضایی مکان‌ها نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت گروهی مردم بازی می‌کنند و ادراک مکان به‌عنوان فرآیندی تجربی، حس تعلق به مکان را در مردم تشویق می‌کند و میزان وابستگی به مکان را افزایش می‌دهد (جلیلی و همکاران، ۱۴۰۰). چکیده نظریه‌های مدیریت شهری و برنامه‌ریزی فضایی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نظریه‌پردازان مدیریت شهری و برنامه‌ریزی فضایی

ردیف	نظریه‌پرداز	رویکرد	نظریه	چکیده نظریه
۱	ماکس وبر	مدیریتی	دیوان‌سالاری	۱- اصل تقسیم‌کار وظیفه‌ای؛ ۲- اصل تمرکز اختیارات؛ ۳- اصل اعمال ضوابط به‌جای روابط؛ ۴- اصل تدوین آیین‌نامه مقررات و قوانین برای کلیه امور؛ ۵- اصل ثبت و ضبط کلیه اعمال و اقدامات و عملیات.
۲	برایان مک لالین	مدیریتی	مدیریت شهری	در یک جامعه نهادهای مدنی در قالب تجلی رفتارهای شهری شکل می‌گیرند و به همین سبب نسبت به تغییرات اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردارند و اولین حرکت‌های اجتماعی در شهرها شکل گرفته و قوام می‌یابند.
۳	پال	مدیریتی	مدیران شهری	مدیران شهری هم‌سطح مدیران صنعتی‌اند و در نتیجه یک نظام اجتماعی، فضایی است که منعکس‌کننده قدرت مدیران شهری است.
۴	شری ارنشتاین	مشارکتی	نردبان مشارکت	وی مشارکت شهروندان را به مثابه قدرت شهروندی مطرح کرده و میزان مشارکت را بر این اساس در سه سطح دسته‌بندی می‌کند که شامل محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی و قدرت شهروندی است. در میان این سه سطح، هفت پله وجود دارد که به‌گونه‌ای دقیق‌تر، میزان مشارکت حقیقی مردم را می‌سنجد. این نظریه نگاهی مشکوک به رفتار دولت‌ها داشته و هر آینه در صدد آشکار کردن فریبکاری آنان در مورد مشارکت‌های شعاری آن‌هاست.
۵	حاتمی نژاد	یکپارچه	مدیریت یکپارچه	یکپارچگی سازمانی و نهادی دارای ابعاد هماهنگی عمودی، یکپارچگی برنامه‌ریزی و مدیریت و یکپارچگی نهادی است. یکپارچگی سازمانی دارای ابعاد میان سازمانی و درون‌سازمانی است. تأکید و مدیریت فضایی یکپارچه و کل‌نگر، که این مفاهیم را در ارتباط مستقیم با وظایف حاکمیت قرار می‌دهد، از تحولات اخیر در عرصه حاکمیت جوامع نشأت می‌گیرد، که، حاکمیت چند سطحی و چندعاملی از خصیصه‌ای اصلی آن است. در الگوی حاکمیت؛ سلسله‌مراتب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از یک‌طرف و وجود سطوح مختلف برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران از سوی دیگر، لزوم ایجاد هماهنگی میان سطوح مختلف مستلزم یک نظام مدیریتی همه‌جانبه و کارآمد است.
۶	بورديو	ساختارگرایی تکوینی	نظریه میدان	وی در پژوهش از شهر خود با تلفیق عینیت‌گرایی، فضای شهری را به فضای خرد تقسیم می‌کند که البته دارای سلسله‌مراتب‌اند. هر فضای خرد میدان نامیده می‌شود. اصلی‌ترین میدان‌ها میدان قدرت است.
۷	راپاپورت	ساختارگرا	سازمان‌دهی فرهنگی فضا	وی در این نظریه سازمان فضایی شهر را منوط به منظم کردن چهار عامل، فضا، مفهوم، ارتباط و زمان می‌داند.
۸	کانتر	ساختارگرا	حس مکان	در این نظریه مکان از سه عامل کالبد، فعالیت و تصورات استفاده شده است. حس مکان علاوه بر ایجاد احساس راحتی در محیط، باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌باشد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار گرفته است. ماهیت پژوهش اکتشافی است و به دنبال کشف روابط متغیرهای مورد مطالعه چون مدیریت شهری و دوگانگی فضایی است و روش مورد استفاده به‌صورت ترکیبی (ترکیب روش‌های تحلیل کمی و کیفی)



است. جامعه آماری از ۷۵ نفر از کارشناسان شهرداری منطقه ۷، دفاتر توسعه محله‌ای و اساتید شهرسازی تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر غیر احتمالی و از نوع گلوله برفی بوده است. نمونه‌گیری گلوله برفی نوعی روش جذب شرکت‌کننده است که در آن شرکت‌کنندگان فعلی تحقیق سعی می‌کنند شرکت‌کنندگان بالقوه دیگری را هم با خود بیاورند. یعنی به سراغ شبکه اجتماعی هر شرکت‌کننده برویم تا به شرکت‌کنندگانی بیشتری برسیم. با این کار، محقق می‌تواند شرکت‌کنندگانی را پیدا کند که به جمعیت خاصی تعلق دارند که احتمالاً داوطلب نمی‌شدند. این نمونه‌گیری ابتدا از نمونه کوچک شروع شده و کم‌کم مثل یک گلوله برف به یک نمونه بزرگ تبدیل می‌شود. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است، که از آن برای تعیین چارچوب موضوعی، شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و نظریات استفاده شده و بر اساس این شناخت و نیز مطالعات پایه در مورد ویژگی‌های جغرافیایی منطقه و تجربه زیست، نظریه متناسب برای تحقیق برگزیده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران از تیم پانل دلفی استفاده شده است. به گونه‌ای که شاخص‌ها و معیارهای کالبدی-فضایی و محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی و سیاسی برای امتیازدهی از مبانی نظری و اسناد محدوده مورد مطالعه استخراج شده است. تعداد سازمان‌ها و افراد مشارکت‌کننده در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. تعداد سازمان‌ها و افراد مشارکت‌کننده

ردیف	گروه	تعداد
۱	کارشناسان شهرداری منطقه ۷	۲۰
۲	کارشناسان دفاتر توسعه محله‌ای منطقه ۷	۱۵
۳	مدیران متولی سازمان‌های مرتبط	۱۰
۴	صاحب‌نظران علمی و اساتید دانشگاه	۱۵
۵	متصدیان امور شهرسازی	۵
۶	دانشجویان دکتری	۱۰
۷	جمع	۷۵

محدوده مورد مطالعه

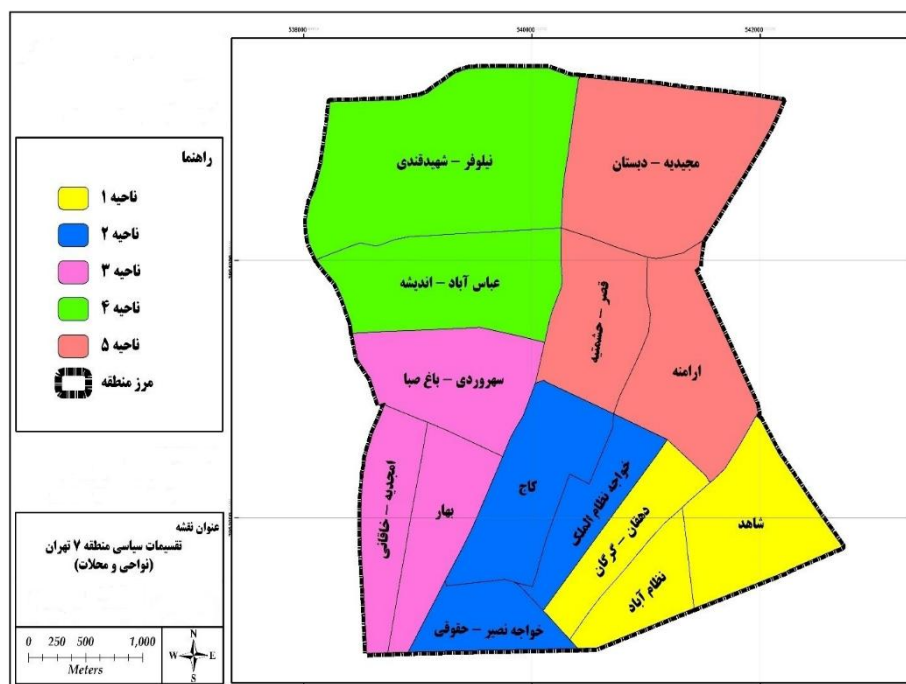
منطقه ۷ کلان‌شهر تهران با مساحت ۱۵۳۶۸ هکتار حدود ۲۰۱ درصد از مساحت کل شهر تهران را در برمی‌گیرد و از لحاظ وسعت مقام پانزدهم را در بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران دارا می‌باشد. این منطقه از شمال هم‌جوار مناطق ۳ و ۴، از شرق با منطقه ۸، از غرب با منطقه ۶ و از جنوب با مناطق ۱۲ و ۱۳ شهرداری تهران همسایه است. مرز شمالی منطقه ۷ تهران، بزرگراه رسالت، مرز شرقی خیابان‌های مجیدیه (استاد حسن بنا) و سبلان، مرز جنوبی خیابان‌های انقلاب و دماوند و مرز غربی آن بزرگراه مدرس و خیابان شهید دکتر مفتاح است (شهرداری منطقه ۷ تهران، ۱۳۹۸). طبق آخرین آمار در سال ۱۳۹۷ منطقه ۷ شهرداری تهران به ۵ ناحیه و ۱۴ محله تقسیم می‌شود که در جدول ۴ نواحی و محلات هریک از نواحی مشخص شده است.



جدول ۴. محلات منطقه ۷ شهرداری تهران

منطقه	ناحیه	محله
منطقه ۷	ناحیه ۱	(شاهد) - (دهقان-گرگان) - (نظام آباد)
	ناحیه ۲	(کاج) - (خواجه نظام الملک) - (خواجه نصیر-حقوقی)
	ناحیه ۳	(بهار) - (امجدیه-خاقانی) - (سهروردی-باغ صبا)
	ناحیه ۴	(عباس آباد-اندیشه) - (نیلوفر-شهید قندی)
	ناحیه ۵	(مجیدیه-دبستان) - (قصر-حشمتیه) - (ارامنه)
مجموع	۵	۱۴

منبع: شهرداری منطقه ۷ تهران، ۱۳۹۷



شکل ۱. موقعیت منطقه ۷ شهرداری تهران به تفکیک محلات

ویژگی‌های سازمان فضایی منطقه ۷

محورها: منطقه ۷ از نظر فعالیت‌های خدماتی و اداری دارای وزن بالاتری نسبت به سایر مناطق در سطح شهر می‌باشد. الگوی نامتناسب توزیع فعالیت در سطح منطقه و تراکم ترافیکی و مشکلات افزایشنده ناشی از آن در منطقه، باعث می‌شود که محورها در سطوحی بالاتر از مقیاس کارکردی خود فعالیت کنند. به عنوان مثال: شریان توزیع کننده‌ای چون سمیه نقش شریان درجه یک را بازی می‌کند یا بزرگراهی چون شهید سلیمانی (بعد از پل سیدخندان به سمت شرق) نقش شریان درجه ۱ به خود می‌گیرد. از لحاظ سلسله مراتب دسترسی و هندسی شبکه معابر موجود در منطقه به دو دسته کلی تقسیم می‌شود که خیابان شریعتی مرز میانی این دو بخش است. این خیابان به عنوان اصلی ترین محور شمالی جنوبی با حضور قوی در منطقه، چهره‌های شهری دارد که در برخی نقاط فرسودگی بر آن چیره شده و سرزندگی و فعالیت را در آن تحت الشعاع قرار داده است. حضور قطعات درشت دانه نظامی در شرق منطقه نیز در کاهش حضور سرزنده مردم مؤثر بوده است. از مهم ترین



اندام‌های شرقی - غربی منطقه خیابان‌های عباس‌آباد و مطهری هستند، اما در عمده طول آن‌ها از نظر بصری، کیفیت بصری شاخص و مثبتی وجود ندارد. ساختار معابر منطقه به گونه‌ای است که این منطقه را به عنوان جزئی از مرکز تهران، منطقه‌ای با ساختار معابر خدماتی و اجتماعی و نیز دسترسی قرار داده است، هرچند که به خاطر موقعیت ویژه آن در مجاورت مناطق جاذب شهر، در بسیاری مواقع، معابر با ساختار دسترسی آن، نقش عبوری به خود گرفته‌اند

نشانه‌ها: به دلیل نقش اداری تجاری منطقه، تعداد بناهای بلند با فعالیت‌های اداری - تجاری، خصوصاً در غرب منطقه زیاد است که از اکثر کریدورها و مناظر گسترده دید قابل رؤیت می‌باشند. مناره‌های مصلی و برج سپهر نشانه‌هایی هستند که فرا منطقه‌ای عمل می‌کنند و از بسیاری نقاط در معرض دید قرار دارند. اما نکته قابل توجه کمبود عناصر نشانه‌ای در بسیاری از نقاط منطقه از جمله شرق آن و همچنین عدم مکان‌یابی مناسب بسیاری از نشانه‌های موجود است. مهم‌ترین نشانه‌های موجود در منطقه در امتداد شریان‌های شمالی جنوبی از جمله شریعتی و مدرس و سهروردی قرار دارد. توجه به تأکیدات قائم در جهت‌یابی مراکز شهر و مراکز تجاری - اداری حائز اهمیت است (شهرداری منطقه ۷ تهران، ۱۳۹۸).

تحلیل داده‌ها

انجام مراحل سه گانه دلفی

مرحله اول دلفی: در این مرحله شاخص‌های به دست آمده در گام اول (معیارهای اولیه به دست آمده از طریق مرور ادبیات شاخص‌ها و معیارها و بازدید میدانی) به صورت پرسشنامه نیمه ساختارمند برای بررسی اولیه در اختیار اعضای تیم پانل قرار گرفت. بعد از دریافت پاسخ‌ها و پیشنهادهای دور اول اطلاعات جمع‌آوری، خلاصه و طبقه‌بندی و در نهایت به صورت پرسشنامه دوم تهیه گردید.

مرحله دوم دلفی: در این مرحله پرسشنامه به صورت ساختارمند و جدول‌بندی شده در بین اعضا توزیع شد. از اعضا خواسته شد تا میزان ارتباط شاخص با بعد، میزان ارتباط معیار با شاخص، میزان ارتباط معیار با موضوع پژوهش و درجه اهمیت ارزیابی معیارها با هدف شناخت عوامل تأثیرگذار نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران با استفاده از مقیاس ۱ تا ۵ لیکرت نشان دهند (جدول ۵)؛ و همچنین معیارهایی که ممکن است در این پژوهش به آن اشاره نشده بیان و در نهایت، معیارها و شاخص‌هایی که با یکدیگر تشابه داشته یا اینکه با یکدیگر همپوشی داشته را مشخص کنند.

جدول ۵. مقیاس لیکرت

۱	۲	۳	۴	۵
خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	عالی

منبع: حبیبی، ۱۴۰۱: ۱۵۴



مرحله سوم دلفی: برای جمع‌بندی آراء پرسش‌شوندگان، میانگین و انحراف معیار هر یک از معیارها برای هر مرحله محاسبه در مراحل بعدی در اختیار اعضا تیم دلفی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد پاسخ‌های دریافتی را دوباره مرور نموده در صورت نیاز در نظرات و قضاوت‌های خود تجدیدنظر کرده و دلایل خود را در موارد عدم توافق ذکر نمایند. هدف از مرحله سوم یا هر مرحله دیگر پس‌از آن رسیدن به اجماع یا ثبات بین اعضا گروه است. هنگامی که اجماع یا ثبات حاصل شود، روش دلفی به اتمام می‌رسد. از این رو با توجه به اتفاق نظر میان اعضای دلفی یعنی همگرا شدن نظر آن‌ها، در مرحله سوم ضرورتی به تکرار نظرخواهی نبوده و این مرحله به‌عنوان مرحله نهایی انتخاب شد.

تدوین و اعتبار سنجی شاخص‌ها و معیارهای بعد اجتماعی-فرهنگی:

در معیارهای اجتماعی-فرهنگی در مرحله اول دلفی تعداد ۳۵ معیار در قالب ۸ شاخص در اختیار اعضای تیم پانل قرار گرفت که با امتیازات و اصلاح و ادغام‌های صورت گرفته توسط اعضای تیم پانل در مرحله دوم و سوم دلفی تعداد ۲۵ معیار در قالب ۵ شاخص مورد سنجش و ارزیابی اعضا قرار گرفت. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد اجتماعی-فرهنگی توسط اعضا تیم پانل دلفی در جدول ۶ شرح داده شده است.

جدول ۶. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد اجتماعی-فرهنگی توسط اعضا تیم پانل دلفی

شاخص	معیار	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	وضعیت
امنیت	- نظارت مناسب پلیس و نهادهای امنیتی برای کاهش جرم و درگیری در سطح منطقه	۲/۸۴	۱/۳۹	۰/۴۹	-
	- وجود نزاع و درگیری بین افراد بومی و مهاجران تازه وارد به منطقه	۳/۹	۰/۹۸	۰/۲۵	+
	- وجود امنیت در طی شبانه‌روز برای زنان و کودکان	۲/۸۴	۱/۳۹	۰/۴۹	-
	- وجود امنیت برای وسایل نقلیه پارک شده در خیابان‌ها	۲/۸۴	۱/۲۱	۰/۴۳	-
	- برخورداری خیابان‌ها و کوچه‌ها از نورپردازی مناسب در شب	۲/۹۳	۱/۲۱	۰/۴۱	-
مشارکت	- سطح تعاون و مشارکت میان شهروندان در سطح منطقه	۲/۶۱	۱/۱	۰/۵۱	-
	- درجه وحدت اجتماعی میان شهروندان در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۴۸	۰/۹۳	۰/۲۶	+
	- عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مدنی در سطح منطقه	۲/۲۹	۱/۰۷	۰/۴۷	-
	- خویاری و کمک‌های مالی شهروندان منطقه در اجرای پروژه‌ها	۲/۱۶	۱/۰۷	۰/۴۹	-
	- ارتباط میان سابقه سکونت و حس تعلق به محله زندگی خود	۳/۳۹	۰/۹۹	۰/۲۹	+
هویت و حس تعلق به مکان	- برگزاری جشن‌ها و عزاداری‌های مذهبی در محدوده شرقی و غربی	۲/۸۷	۱/۱۵	۰/۴	-
	- شناخت و ارتباط با همسایگان و هم محله‌ای‌ها	۲/۶۱	۱/۱۷	۰/۴۵	-
	- حس تعلق و دلبستگی ساکنان به محله زندگی خود	۲/۹۷	۱/۴۵	۰/۴۹	-
	- بهداشت، آموزش و اوقات فراغت	۳/۱۳	۰/۸۸	۰/۲۸	+
	- شرقی و غربی منطقه				
بهداشت، آموزش و اوقات فراغت	- استحکام و کیفیت مناسب ساختمان‌های مدارس و مراکز درمانی و تفریحی در محدوده شرقی و غربی منطقه	۱/۷۱	۰/۹	۰/۵۳	-
	- وجود تعداد کافی و باکیفیت مراکز درمانی و آموزشی و تفریحی در محدوده شرقی و غربی منطقه	۲/۱۶	۰/۹۷	۰/۴۵	-
	- کیفیت خدمات تخصصی درمانی و آموزشی در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۲۶	۰/۸۵	۰/۲۶	+
	- هزینه استفاده از خدمات مراکز آموزشی، درمانی و تفریحی در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۱	۰/۹۱	۰/۲۹	+
	- دسترسی به تنوع کالا و خدمات	۴/۶۱	۰/۶۷	۰/۱۴	+
دسترسی	- دسترسی به تنوع کالا و خدمات	۴/۶۱	۰/۶۷	۰/۱۴	+



-	۰/۵۱	۱/۱۹	۲/۳۲	- دسترسی به فضاهای باز در زمان وقوع بحران‌های
+	۰/۲۱	۰/۷۲	۳/۵۴	- دسترسی به مراکز ورزشی و تفریحی
+	۰/۱۸	۰/۸۱	۴/۴۸	- دسترسی به اتوبان و بزرگراه‌ها
+	۰/۲۱	۰/۷۲	۳/۰۹	- در دسترس بودن خدمات بهداشتی و درمانی
-	۰/۲۶	۰/۷۳	۲/۸۴	- دسترسی به سایر محله‌های شهر طبیعی
+	۰/۲۳	۰/۸۸	۳/۸۷	- دسترسی به مراکز آموزشی و مدارس
جمع				
(+)۱۱	(-)۱۴	۸/۹۸	۲۵/۳۴	۷۵/۸۴

وضعیت معیارهای اجتماعی-فرهنگی در ۵ شاخص امنیت، مشارکت، هویت و حس تعلق به مکان، بهداشت، آموزش، اوقات فراغت و دسترسی در وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران نامطلوب است و بیشترین معیارها امتیاز کمتر از میانگین عدد ۳ را به دست آورده‌اند. در مجموع از میان ۲۵ معیار ۱۴ معیار در وضعیت نامطلوب و ۱۱ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است.

از سوی دیگر در شاخص امنیت، معیار وجود نزاع و درگیری بین افراد بومی و مهاجران تازه وارد به منطقه (۳/۹)، در شاخص مشارکت، معیار درجه وحدت اجتماعی میان شهروندان در محدوده شرقی و غربی منطقه (۳/۴۸)، در شاخص هویت و حس تعلق به مکان، معیار ارتباط میان سابقه‌ی سکونت و حس تعلق به محله زندگی خود (۳/۲۹) و در شاخص بهداشت، آموزش، اوقات فراغت، معیار کیفیت خدمات تخصصی درمانی و آموزشی در محدوده شرقی و غربی منطقه (۳/۲۶) و در شاخص دسترسی، معیار دسترسی به تنوع کالا و خدمات (۴/۶۱) بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

در معیارهای اقتصادی در مرحله اول دلفی تعداد ۳۰ معیار در قالب ۷ شاخص در اختیار اعضای تیم پانل قرار گرفت که با امتیازات و اصلاح و ادغام‌های صورت گرفته توسط اعضای تیم پانل در مرحله دوم و سوم دلفی تعداد ۲۰ معیار در قالب ۴ شاخص مورد سنجش و ارزیابی اعضا قرار گرفت. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد اقتصادی توسط اعضا تیم پانل دلفی در جدول ۷ شرح داده شده است.

جدول ۷. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد اقتصادی توسط اعضا تیم پانل دلفی

شاخص	معیار	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	وضعیت
بودجه و سرمایه‌گذاری	- عدم تمایل سرمایه‌گذاری در محدوده شرقی به دلیل کسب سود پایین	۳/۰۳	۱/۳۳	۰/۴۴	+
	- گرانی زمین و مسکن در محدوده غربی منطقه	۴/۵۸	۰/۷۶	۰/۱۷	+
	- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پروژه‌های ساخت‌وساز	۳/۳	۰/۹۸	۰/۲۹	+
	- اختصاص بودجه توسط بخش دولتی و خصوصی برای اجرای پروژه‌های منطقه‌ای	۲/۳۹	۰/۹۹	۰/۴۱	-
امکانات و خدمات	- لوله‌کشی مناسب فاضلاب در سطح منطقه	۲/۴۲	۱/۱۲	۰/۴۶	-
	- دسترسی مناسب شهروندان به خدمات مخابراتی در سطح منطقه	۲/۳۲	۰/۹۶	۰/۴۳	-
زیرساختی	- برق‌رسانی مناسب در سطح منطقه	۲/۸۷	۱/۰۶	۰/۲۷	-
	- تنوع کالا و خدمات در سطح منطقه	۲/۹	۰/۹۴	۰/۳۲	-



- توزیع شبکه گازرسانی مناسب در سطح منطقه	۲/۹۳	۰/۸۵	۰/۲۹	-
- دسترسی به آب شرب در سطح منطقه	۳/۷۴	۰/۸۵	۰/۲۳	+
- بالا بودن نرخ بیکاری ساکنان محدوده شرقی نسبت به محدوده غربی منطقه	۲/۱۶	۰/۹۷	۰/۴۵	-
- میزان حمایت‌های مالی از قبیل تسهیلات کم‌بهره بانکی در راستای اشتغال‌زایی	۲/۹	۱/۰۴	۰/۲۶	-
- حمایت از کسب‌وکارهای کوچک توسط بخش دولتی در محدوده شرقی	۲/۱	۱/۰۱	۰/۴۸	-
- بالا بودن جمعیت مهاجر در محدوده غربی به دلیل دسترسی به فرصت‌های شغلی بیشتر	۲/۲۳	۱/۰۵	۰/۴۷	-
- بالاتر بودن سهم مشاغل غیر رسمی در محدوده شرقی منطقه	۴	۰/۹۷	۰/۲۴	+
- تنوع فرصت‌های شغلی در محدوده غربی منطقه	۳/۵۸	۰/۹۹	۰/۲۸	+
- تفاوت در کسب درآمد جمعیت فعال زنان در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۸	۰/۹۸	۰/۲۶	+
- تفاوت در پرداخت هزینه کالا و خدمات در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۹	۰/۹۸	۰/۲۵	+
- درآمد مناسب و مکفی سرپرست خانواده	۲/۹	۱/۲۲	۰/۴۲	-
- تعادل درآمد و هزینه خانوار	۲/۸۴	۱/۳۷	۰/۴۸	-
جمع	۵۷/۸۹	۲۱/۸۹	۶/۹	۱۲ (-) ۸ (+)

وضعیت معیارهای اقتصادی در ۴ شاخص بودجه و سرمایه‌گذاری، امکانات و خدمات زیرساختی، اشتغال و درآمد در وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران نامطلوب است و بیشترین معیارها امتیاز کمتر از میانگین عدد ۳ را به دست آورده‌اند. در مجموع از میان ۲۰ معیار ۱۲ معیار در وضعیت نامطلوب و ۸ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است.

از سوی دیگر در شاخص بودجه و سرمایه‌گذاری، معیار گرانی زمین و مسکن در محدوده غربی منطقه (۴/۵۸)، در شاخص امکانات و خدمات زیرساختی، معیار دسترسی به آب شرب در سطح منطقه (۳/۷۴)، در شاخص اشتغال، معیار بالاتر بودن سهم مشاغل غیر رسمی در محدوده شرقی منطقه (۴) و در شاخص درآمد، معیار تفاوت در پرداخت هزینه کالا و خدمات در محدوده شرقی و غربی منطقه (۳/۹) بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

در معیارهای کالبدی-فضایی و محیطی در مرحله اول دلفی تعداد ۳۰ معیار در قالب ۶ شاخص در اختیار اعضای تیم پانل قرار گرفت که با امتیازات و اصلاح و ادغام‌های صورت گرفته توسط اعضای تیم پانل در مرحله دوم و سوم دلفی تعداد ۲۰ معیار در قالب ۴ شاخص مورد سنجش و ارزیابی اعضا قرار گرفت. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد کالبدی و محیطی توسط اعضا تیم پانل دلفی در جدول ۸ شرح داده شده است.



جدول ۸. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای کالبدی-فضایی و محیطی توسط اعضا تیم پانل دلفی

شاخص	معیار	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	وضعیت
مسکن و فرسودگی	- قیمت زمین و مسکن، سوداگری و بورس بازی	۲/۱۶	۰/۹۳	۰/۴۳	-
	- تداخل کاربری‌ها در بافت مسکونی منطقه	۳/۶	۰/۸۹	۰/۲۹	+
	- بهسازی، بازسازی و نوسازی ساختمان‌های قدیمی بیشتر در محدوده غربی	۲/۴۸	۰/۹۶	۰/۲۹	-
فضای سبز و آلودگی	- رعایت ضوابط و ملاحظات بصری در مقررات شهرسازی و معماری	۲/۰۶	۰/۸۹	۰/۴۳	-
	- فروش تراکم برای درآمدزایی شهرداری بیشتر در محدوده غربی	۳/۹۷	۰/۹۱	۰/۲۳	+
	- فرسودگی ساختار فیزیکی محلات بیشتر در محدوده شرقی	۲/۳۹	۰/۹۱	۰/۲۳	-
فضای سبز و آلودگی	- تغییر کاربری فضای سبز به سایر کاربری‌ها	۳/۳۵	۰/۸۸	۰/۲۶	+
	- وجود آلودگی ناشی از فعالیت‌های کارگاهی و انبار	۲/۳۹	۰/۹۲	۰/۳۸	-
	- تفاوت سهم فضای سبز محلات در محدوده شرقی و غربی منطقه	۳/۷۷	۰/۸	۰/۲۱	+
فضایی	- کیفیت جمع‌آوری زباله و پسماند	۲/۴۵	۱/۲۱	۰/۴۹	-
	- ارتباط هر فضا یا ساختمان با سایر فضاها	۳/۹	۰/۹۴	۰/۲۴	+
	- توجه به بعد فضایی در طرح‌ها و برنامه‌ها و اقدامات	۳/۰۳	۰/۸۷	۰/۲۹	+
حمل‌ونقل و پیاده راه	- ارتقا پیوستگی و تداوم در بین نشانه‌ها و فضاهای منطقه	۲/۶۱	۱/۳۳	۰/۵۱	-
	- پیوند فضایی میان سطوح ملی، منطقه‌ای، محلی	۳/۸۴	۰/۸۲	۰/۲۱	+
	- توزیع کاربری‌های سازگار در محدوده	۳/۱۳	۰/۸۸	۰/۲۸	+
حمل‌ونقل و پیاده راه	- یکپارچگی در بخش‌های مختلف کالبدی، اقتصادی و اجتماعی منطقه	۴/۵۵	۰/۷۲	۰/۱۶	+
	- پیاده راه‌های با کیفیت و مناسب برای قدم زدن در محله	۲/۵۲	۱/۰۶	۰/۴۲	-
	- توزیع ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی در محدوده شرقی و غربی	۳/۷۷	۰/۸	۰/۲۱	-
حمل‌ونقل و پیاده راه	- کیفیت حمل‌ونقل عمومی در سطح منطقه	۲/۴۵	۱/۲۱	۰/۴۹	-
	- مناسب بودن عرض معابر و کوچه‌ها	۱/۹	۰/۹۱	۰/۴۸	-
جمع		۶۰/۳۲	۱۷/۸۴	۶/۵۳	۹ (+) ۱۱ (-)

وضعیت معیارهای محیطی-کالبدی در ۴ شاخص مسکن و فرسودگی، فضای سبز و آلودگی، فضایی و حمل‌ونقل و پیاده راه در وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران نامطلوب است و بیشترین معیارها امتیاز کمتر از میانگین عدد ۳ را به دست آورده‌اند. در مجموع از میان ۲۰ معیار ۱۱ معیار در وضعیت نامطلوب و ۹ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. از سوی دیگر در شاخص مسکن و فرسودگی، معیار فروش تراکم برای درآمدزایی شهرداری بیشتر در محدوده غربی (۳/۹۷)، در شاخص فضای سبز و آلودگی، معیار تفاوت سهم فضای سبز محلات در محدوده شرقی و غربی منطقه (۳/۷۷)، در شاخص فضایی، معیار یکپارچگی در بخش‌های مختلف کالبدی، اقتصادی و اجتماعی منطقه (۴/۵۵) و در شاخص حمل‌ونقل و پیاده راه، معیار توزیع ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی در محدوده شرقی و غربی (۳/۷۷) بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند.



در معیارهای مدیریتی-سیاسی در مرحله اول دلفی تعداد ۲۵ معیار در قالب ۵ شاخص در اختیار اعضای تیم پانل قرار گرفت که با امتیازات و اصلاح و ادغام‌های صورت گرفته توسط اعضای تیم پانل در مرحله دوم و سوم دلفی تعداد ۱۵ معیار در قالب ۳ شاخص مورد سنجش و ارزیابی اعضا قرار گرفت. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد مدیریتی توسط اعضا تیم پانل دلفی در جدول ۹ شرح داده شده است.

جدول ۹. امتیازدهی شاخص‌ها و معیارهای بعد مدیریتی-سیاسی توسط اعضا تیم پانل دلفی

شاخص	معیار	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	وضعیت
قوانین و سیاست‌ها	- حضور چندین سازمان دولتی عمل‌کننده در سطح منطقه در کنار شهرداری	۲	۰/۶۸	۰/۲۴	-
	- فقدان بستر توسعه مشارکت‌های مردمی و امکان انتقال خواست‌ها و نیازها به مدیریت مناطق شهری	۲/۸۱	۰/۹۸	۰/۳۵	-
	- تعدد مراجع نظارتی بر عملکرد نظام مدیریت شهری و شهرداری	۲/۶۱	۱/۳۱	۰/۵	-
	- عدم تفکیک وظایف و اختیارات ملی از محلی در قوانین	۴/۹	۰/۴	۰/۰۸	+
یکپارچگی	- تمرکز طلبی بخش دولت و عدم تمایل به واگذاری وظایف و عملکردها به بخش خصوصی و مردمی	۳/۱۶	۰/۸۲	۰/۲۶	+
	- درجه یکپارچگی و هماهنگی میان سازمان‌های مدیریتی	۲/۶۱	۱/۲۳	۰/۵۱	-
	- درجه استفاده از مشارکت نهادهای مدنی و مردمی	۲/۵۲	۱/۴۱	۰/۵۶	-
	- فقدان بستر و بلوغ لازم سازمان‌ها و جامعه برای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه مناطق شهری	۳/۱	۰/۸۳	۰/۲۷	+
نیروی متخصص و با اقتدار سیاسی	- درجه تعاملات بخش دولتی و خصوصی در ارتباط با یکپارچه شدن راهبردها	۲/۸۴	۱/۳۷	۰/۴۸	-
	- درجه استفاده از مدیران شهری متخصص با ویژگی‌های هم‌زمان مسئولیت متخصص و با اقتدار سیاسی	۱/۷۴	۰/۸۵	۰/۴۹	-
	- اعطای مسئولیت مدیریت منطقه به شخص بدون داشتن تخصص لازم	۲/۱۶	۰/۹۳	۰/۴۳	-
	- استفاده از نیروی انسانی با رشته تخصصی غیر مرتبط در مدیریت مناطق شهری	۲/۶۴	۱/۲۳	۰/۵	-
استفاده از نیروی غیر متخصص	- هدر رفت قسمتی از بودجه اختصاص داده‌شده به سازمان‌های مدیریتی به دلیل استفاده از نیروی غیر متخصص	۲/۱۳	۰/۸۸	۰/۴۱	-
	- اعطای مسئولیت مدیریت منطقه به شخص بدون جلب رأی و اعتماد شهروندان	۲/۵۸	۱/۴۱	۰/۵۴	-
	- ارائه آموزش‌های به روز شده و کاربردی به مدیران متخصص مناطق شهری	۲/۴۲	۱/۱	۰/۴۷	-
	جمع	۶۸/۲۲	۱۵/۵۳	۶/۰۴	۱۲ (-) ۳ (+)

وضعیت معیارهای مدیریتی-سیاسی در ۳ شاخص قوانین و سیاست‌ها، یکپارچگی و نیروی متخصص در وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضاهای محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران نامطلوب است و بیشترین معیارها امتیاز کمتر از میانگین عدد ۳ را به دست آورده‌اند. در مجموع از میان ۲۰ معیار ۱۲ معیار در وضعیت نامطلوب و ۳ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است.

از سوی دیگر در شاخص قوانین و سیاست‌ها، معیار عدم تفکیک وظایف و اختیارات ملی از محلی در قوانین (۴/۹)، در شاخص نیروی متخصص، معیار فقدان بستر و بلوغ لازم سازمان‌ها و جامعه برای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه مناطق شهری (۲/۸۴) و در شاخص حمایت و نظارت معیار استفاده از نیروی انسانی با رشته تخصصی غیر مرتبط در مدیریت مناطق شهری (۲/۶۴) بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند.



به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت مدیریت شهری در ابعاد کالبدی-فضایی و محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و سیاسی موجب به وجود آمدن دوگانگی فضایی در محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران شده است.

نتیجه‌گیری

سازمان فضایی شهر با ابعاد ادراکی، عملکردی در بسیاری از شاخص و متغیرها متأثر از نقش مدیریت شهری است. سازمان فضایی برآیند شرایط طبیعی، نظام استقرار جمعیت و فعالیت، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، نظام حرکتی و... است که ارتباط و انتظام بین عناصر اصلی شهر مانند حوزه‌های سکونت و فعالیت، محورهای عملکردی و ارتباطی و انواع پهنه‌ها و مراکز را نشان می‌دهد. دوگانگی فضایی در سازمان فضایی شهرها در دو حالت قابل مشاهده است. یکی در رابطه هر فضای شهری با فضای شهری مجاورش و دیگری در رابطه بین اجزای یک فضای شهری است. از سوی دیگر مدیریت شهری به معنای یک سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزاء رسمی و غیررسمی ذی‌ربط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری باهدف اداره، هدایت و کنترل توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر است. مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت محیط کالبدی دانست. بنابراین، هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود باشد مدیریت شهری در تنگنا و نارسایی قرار می‌گیرد.

در دیدگاه مدیریت شهری نظریه‌های مطرح‌شده در طول زمان از سمت دیوان‌سالاری که توسط وبر مورد توجه قرار گرفت به سمت مدیریت شهری یکپارچه پیش رفت. نظریه‌های اولیه مدیریت شهری بر اصل تمرکز اختیارات و قدرت دولت تأکید داشته است. بعد از آن در کنار بخش دولتی بهتر بود که از مشارکت تمام ذینفعان و مردم استفاده شود. در نهایت دیدگاه مدیریت شهری از سمت مدیریت متفرق و متمرکز و از بالا به پایین به سمت مدیریت یکپارچه و از پایین به بالا مورد توجه قرار گرفت.

نتایج یافته‌های وضعیت نقش مدیریت شهری بر دوگانگی فضایی محدوده شرقی و غربی با استفاده از تیم پانل دلفی نشان می‌دهد که وضعیت معیارهای اجتماعی-فرهنگی در ۵ شاخص از میان ۲۵ معیار ۱۴ معیار در وضعیت نامطلوب و ۱۱ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. وضعیت معیارهای اقتصادی در ۴ شاخص نشان می‌دهد که از میان ۲۰ معیار ۱۲ معیار در وضعیت نامطلوب و ۸ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. وضعیت معیارهای کالبدی-فضایی و محیطی در ۴ شاخص نشان می‌دهد که از میان ۲۰ معیار ۱۱ معیار در وضعیت نامطلوب و ۹ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. وضعیت معیارهای مدیریتی-سیاسی در ۳ شاخص نشان می‌دهد که از میان ۲۰ معیار ۱۲ معیار در وضعیت نامطلوب و ۳ معیار در وضعیت مطلوب قرار گرفته است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت مدیریت شهری در ابعاد کالبدی-فضایی و محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی-سیاسی موجب به وجود آمدن دوگانگی فضایی در محدوده شرقی و غربی منطقه ۷ شهرداری تهران شده است. نظام مدیریت شهری در منطقه ۷ تهران متفرق و متمرکز و از بالا به پایین بوده و از مشارکت بخش خصوصی، مدنی و مردمی استفاده نکرده است. می‌توان گفت مدیریتی کارآمد است و می‌تواند موجب کاهش دوگانگی فضایی در منطقه ۷ شهرداری تهران شود که تفرق



کالبدی، فضایی، تفرق و چند پارچگی اجتماعی، تفرق عملکردی، تفرق حوزه نظری برنامه‌ریزی و مدیریت، تفرق برنامه‌ریزی سیاستی و تفرق سیاسی-حکومتی را به حداقل ممکن برساند و یکپارچگی ساختاری-سازمانی، یکپارچگی برنامه‌ریزی و مدیریت و یکپارچگی نهادی را جایگزین کند. در نهایت توزیع قدرت میان سازمان‌های متعدد مدیریت شهری، استفاده از مشارکت تمام ذینفعان و مردم در مراحل تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی و تعامل میان سازمان‌های مدیریت منطقه ۷ تهران موجب تحقق مدیریت یکپارچه می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

- Amirzadeh Doostan, A. (2021). Urban management and its role in sustainable urban development. *Geography and Human Relations*, 5(2), 21–33. [In Persian]
- Azar Barghani, S., Majidi, H., & Zarrabadi, Z. (2022). Analysis of patterns of urban sprawl in the Tehran metropolitan area with an emphasis on urban management system approaches. *Applied Research of Geographical Sciences*, 22(65), 439–459. [In Persian]
- Bibri, S. E., & Krogstie, J. (2017). Smart sustainable cities of the future: An extensive interdisciplinary literature review. *Sustainable Cities and Society*, 31, 183–212. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.02.016>
- Brand, A. (2017). The duality of space: The built world of Du Bois' double-consciousness. *Sage Journal*, 7(1), 1–10. <https://doi.org/10.1177/02637758177387>
- Ghaed Rahmati, S., Khademolhosseini, A., & Benari, S. (2021). Spatial strategic planning of the city and the operational plan of Ardakan Municipality, Fars. *Planning and Spatial Planning (Humanities)*, 25(2), 145–181. [In Persian]
- Habibi, A., & Afridi, S. (2021). *Multi-Criteria Decision Making (Deterministic and Fuzzy) (1st ed.)*. Naroon Publications. <https://ketabrah.ir> [In Persian]
- Habibi, A., & Afridi, S. (2022). *Multi-criteria decision making (deterministic and fuzzy) (1st ed.)*. Naroon Publications. [In Persian]
- Hatami-Nejad, H., St. Vincent Yukon, N., & Norieh, N. (2024). Barriers to achieving integrated management and futures studies of good regional governance in Tehran County. *Geographical Space Planning*, 54(1), 1–17. [In Persian]
- Healey, P. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28, 45–67. <https://doi.org/10.1111/j.0309-1317.2004.00502.x>
- Hong, X., Li, S., Tai, X., & Sing, X. (2025). Spatial performance evaluation and optimization of integrated aboveground and underground spaces in urban commercial complexes. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 14(2), 623–649. <https://doi.org/10.1080/13467581.2024.2306367>



- Jalili, M., Sasanpour, F., Shamaei, A., & Fasihee, H. (2021). Analysis of spatial duality of livability in District 7 of Tehran metropolis. *Quarterly Journal of the Iranian Geographical Association*, 71, 43–61. [In Persian]
- Javdani, A., & Parvin, H. (2015). Spatial–people participation or the link between politics and urban space: Babolvazir neighborhood. —, 34(1), 109–124. [In Persian]
- McLain, J. B. (2013). *Urban and regional planning: A systemic approach* (F. Habib, Trans.). Islamic Azad University, Science and Research Branch. (Original work published in English). [In Persian]
- Miri, G. (2019). Examination of Professor Arthur Lewis' duality theory in Chabahar Free Trade–Industrial Zone with an emphasis on the physical–spatial dimension. *First National Conference on Humanities and Development*, 1–12. [In Persian]
- Mirzadeh Doostan, A. (2021). Urban management and its role in sustainable urban development. *Quarterly Journal of Geography and Human Relations*, 5(2), 21–33. [In Persian]
- Pirbabaei, M. T., & Rahimi, L. (2015). The role of spatial and perceptual organization of streets in pedestrians' sense of security: A case study of Tabriz. —, 16(7), 71–80. [In Persian]
- Rezaei, T. (2014). *Prioritization and evaluation of good urban governance indicators in tourism destination cities* (Master's thesis). University of Mazandaran. [In Persian]
- Sadeghi, S., Panahi, A., & Valizadeh, R. (2023). Factors affecting the transformations of spatial–physical structure in metropolises: Case study of Tabriz. *Geography Journal*, 21(77), 71–87. [In Persian]
- Sarvar, R., Ashtiani Araghi, M. R., & Akbari, M. (2017). Analysis of factors influencing the feasibility of integrated urban management: Case study of Tehran metropolis. *Geography*, 15(52), 37–52. [In Persian]
- Soleimani, H. (2024). Challenges of urban management in Greater Tehran Municipality and strategies to address them. *Journal of Geographical, Architectural, and Urban Studies Research*, 5(48), 337–345. [In Persian]
- Tehran Municipality District 7. (2019). *District 7 Municipality documentation: Urban Planning Department* (Vol. 1, pp. 1–54). [In Persian]
- Tehran Municipality District 7. (2022). *Approved documents of District 7 Municipality: Urban Planning Department* (pp. 1–90). [In Persian]
- Weber, M. (2016). *Power*. Negarestan Andisheh Publishing. [In Persian]
- Zhang, A. (2025). Analysis of the sustainable development pathway of urban–rural integration from the perspective of spatial planning: A case study of the urban–rural fringe of Beijing. *Sustainability*, 17(5), 1–19. <https://doi.org/10.3390/su17051857>

